

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۹۹

۹ فروردین ۱۳۸۱

۲۹ مارس ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

اطلاعیه شماره ۵

درباره معالجات منصور حکمت

صفحه ۳

طول موج جدید رادیو انترناسیونال

صفحه ۴

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707



مصاحبه رادیو انترناسیونال با کورش مدرسی در مورد مباحثات پلنوم ۱۵ کمیته مرکزی حزب

هرچه وسیعتر مردم به حزب که بعدا در مورد آن مفصل صحبت خواهیم کرد. بالاخره، به روال همه پلنومها، دبیر کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند. در نشست دفتر سیاسی که بلافاصله بعد از پلنوم برگزار گردید رئیس دفتر سیاسی و هیات دائم، یعنی رهبری حزب، انتخاب شدند.

رادیو انترناسیونال: در مورد وضعیت بیماری منصور حکمت

صفحه ۲

بحث رهبری حزب در دوره‌ای که منصور حکمت نمیتواند در این رهبری نقش فعالی ایفا کند مفصل مورد بحث قرار گرفت که بخش مهمی از جلسات پلنوم را بخود اختصاص داد. بعد از این طرح کمیته حقوق مدنی ایران به بحث گذاشته شد. در دستور بعدی بحثی داشتیم تحت عنوان وضعیت جمهوری اسلامی، نیروهای اپوزیسیون و موقعیت حزب کمونیست کارگری ایران که اساسا در مورد پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی، آلترناتیوهای مختلف، موقعیت حزب و ضرورت پیوستن

پلنوم کمیسیونی را برای این کار انتخاب کرد. کمیسیون لیست کاندیداها را به رای کمیته مرکزی گذاشته بود و نتیجه انتخابات به پلنوم ۱۵ گزارش شد که صحت انتخابات به تایید پلنوم رسید. به این ترتیب تعداد اعضا و مشاورین کمیته مرکزی به ۷۱ نفر رسیده است.

موضوع بعدی مورد بحث گزارش وضعیت پزشکی منصور حکمت بود. بعد از این هیات دائم، یعنی رهبری نشست حزب، گزارش فعالیت حزب در فاصله دو پلنوم را عرضه کرد. بدنبال این

رادیو انترناسیونال: نشست پانزدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در تاریخ ۲۴ تا ۲۶ اسفند ۱۳۸۰ تشکیل شد پلنوم به چه مباحثی پرداخت؟
کورش مدرسی: همان طور که در اطلاعیه رسمی حزب آمده است، پلنوم ابتدا انتخاب مشاورین جدید کمیته مرکزی را به بحث گذاشت. پلنوم قبل، یعنی پلنوم ۱۴ تصمیم گرفته بود که تعداد اعضای مشاور کمیته مرکزی را به ۴۰ نفر برساند. در نتیجه میبایست ۲۱ نفر جدید انتخاب میشدند و

مردم آزادیخواه، مهاجرین ایرانی مقیم خارج

حکومت اسلامی را باید برای آزادی فوری دستگیر شدگان مراسمهای ۸ مارس و چهارشنبه سوری و سال نو تحت فشار قرار داد و از اعتراضات رو به رشد مردم در شهرهای ایران فعالانه حمایت کرد. نباید دستگیرشدگان را تنها گذاشت. با شرکت خود در آکسیونهای حزب کمونیست کارگری صف مبارزه برای آزادی دستگیرشدگان و کلیه زندانیان سیاسی را هرچه بیشتر تقویت کنید.

تحمیل منع رفت و آمد بر یاسر عرفات شدیداً محکوم است

صفحه ۲



asqar_karimi@yahoo.com اصغر کریمی

دو سال پس از کنفرانس برلین

دو سال پس از کنفرانس برلین، همه وقایع سیاسی در ایران، حقانیت آزادیخواهانی را که در این کنفرانس اعلام کردند که سرنگونی جمهوری اسلامی با یا بدون دو خرداد پیش شرط آزادی مردم ایران است و شکست فضاحت باری را نصیب حکومت اسلامی و اعوان و انصار

صفحه ۳

"جان زیبای ایرانی"

صفحه ۴



fateh_sh@yahoo.com

دوراهی جنگ و صلح در خاورمیانه

میتواند نوع خطرناکتر آن باشد. هیات حاکمه اسرائیل امروز با ایدئولوژی و سیاست قومی - مذهبی و با شارلاتانیسم و جنگ طلبی شارون در راس آن، همان راهی را علیه مردم فلسطین در پیش گرفته که فاشیسم هیتلری ازجمله علیه یهودیان در پیش گرفت و جهان را به آتش کشید. در جبهه مقابل هم، جریانات

صفحه ۴

فاتح شیخ الاسلامی

خوزه ساراماگو نویسنده صریح اللهجه پرتغالی در سفر چند روز پیش خود به مناطق اشغالی فلسطین، جنایات دولت اسرائیل را به جنایات نازیها در آشویتس تشبیه کرد. این تشبیه، به یک حقیقت تاریخی اشاره دارد: اینکه ربط دادن حکومت با نژاد و قوم و مذهب فاشیسم است. و فاشیسمی که به نام مردم ستمییده، به نام قربانیان فاشیسم علم شود، باز هم فاشیسم است و حتی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مصاحبه رادیو انترناسیونال با کورش مدرسی

صحبت کردید. بدنبال اطلاعاتی که حزب در این مورد داده تماسهای زیادی از ایران و خارج کشور هست، از جمله با رادیو انترناسیونال، که جویای سلامتی منصور حکمت هستند. شما میتوانید در این مورد گزارشی به شنوندگان ما بدهید؟

کورش مدرسی: اولاً باید صمیمانه تشکر کنم از همه کسانی که از ایران، از خارج کشور، چه دوستاران حزب چه دوستداران و دوستان شخص منصور حکمت که مرتب تلفن میزنند، ای میل میفرستند، نامه مینویسند و یا پیغام میدهند و محبت میکنند و جویای سلامتی منصور حکمت میشوند. میخواهم از جانب حزب صمیمانه از محبتهای این دوستان عزیز تشکر کنم.

در مورد بیماری منصور حکمت، من تخصص پزشکی ندارم اما نکاتی را عرض میکنم. این بیماری سرطان است. بیماری سخت و خطرناکی است. ما سعی کردهایم استفاده از بهتری امکانات پزشکی ممکن، تا آنجائی که در توان ما هست، را برای منصور حکمت تضمین کنیم. معالجه در حال پیشرفت است اما، همان طور که ممکن است کسانی که با این بیماری آشنا هستند بدانند، متأسفانه نتیجه معالجه این بیماری به سرعت معلوم نمیشود. خود معالجه مدتی طول میکشد و مدتی بعد از خاتمه این دور معالجه آزمایشهای دقیق پزشکی باید انجام شود تا نتیجه معلوم شود. معالجه چندین هفته است که در جریان است و دکترها مجموعاً به نتیجه امیدوارند. اما برای اینکه واقعا فهمید این خوشبینی چقدر جا دارد و روی این امیدواری چقدر باید حساب باز کرد ناچاریم همه چند ماه دیگر منتظر بمانیم تا نتیجه آخرین آزمایشها معلوم شود. چیزی که هست این است که معالجات دارد پیش میرود و ما هم مانند همه دوستان عزیزی که جویای حال منصور حکمت شدهاند باید منتظر نتیجه بمانیم. سخت است اما چاره‌ای نیست. باید منتظر ماند.

رادیو انترناسیونال: این اولین پلنوم کمیته مرکزی بود که منصور حکمت در آن حضور نداشت. نشست کمیته مرکزی به غیبت منصور حکمت

چگونه برخورد کرد و کلا فضای حاکم بر جلسه چگونه بود؟

کورش مدرسی: صرف نظر از این که این اولین و تنها پلنومی بود که منصور حکمت در آن شرکت نداشت، نقش منصور حکمت در حزب ما بر کسی پوشیده نیست. منصور حکمت ستون فقرات این حزب و چشم آن و مغز آن بوده و هست. نقشی که منصور حکمت، نه فقط در حزب، بلکه در جنبش کمونیستی ایران و در سیاست ایران ایفا کرده و موقعیتی که دارد و جایگاهی که اشغال کرده بر کسی پوشیده نیست. طبعاً در چنین پلنومی و برای کسانی که از نزدیک و سالها با منصور حکمت کار کردهاند و سعی کردهاند در پروژهها و اهدافی که جلو گذاشته شریک شوند غیابش و بخصوص بیماری وی فشار جدی بود. فضای پلنوم به نظر من دو وجه داشت. از یک طرف فضای عموماً عاطفی نسبت به منصور حکمت، فضای آگاه و قدردانی و شناختن و باز شناختن نقشی که این عزیز همه داشته و دارد و امید به اینکه این نقش را کماکان ایفا کند حاکم بود. منظورم از قدر شناسی سپاس گزاری صرف نیست. منظورم به رسمیت شناختن و دانستن اینکه حزب با چه مسائلی روبرو هست است. از طرف دیگر پلنوم، به نظر من، با شجاعت و عمق و کاملاً مسلط به ابعاد مسائل جدی که حزب، رهبری آن و اصولاً جنبش کمونیستی و انقلاب آتی ایران در غیاب منصور حکمت با آن روبرو است برخورد کرد. در این مورد مفصل صحبت کرد. تقریباً همه شرکت کنندگان در پلنوم، که شامل یک هیات ۸ نفره از کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق هم میشد، در این بحث شرکت کردند. پلنوم در چشم مشکلائی که در مقابل حزب، در مقابل رهبری حزب، در مقابل جنبش کمونیستی و انقلاب در ایران هست شجاعانه و حرفهای نگاه کرد و تلاش کرد تا ضمن حفظ آن فضای عاطفی عمیق بدور از تهییج خود و تهییج تشکیلاتی راههای فائق آمدن بر این مشکلات، که از کسی هم پوشیده نیست، را پیدا کند. جای منصور حکمت برای این حزب پر کردنی نیست منتهی پلنوم سعی کرد کارها و فونکسیونهای که بطور ابرکتیو باید هدف قرار بگیرند تا حزب به اهدافی که منصور حکمت در مقابل حزب گذاشته و با آن سرعتی که او میخواهد تحقق بخشد خیره شود و آنها را به حرکت در آورد. پلنوم روی هر دو جنبه‌ای که به آن اشاره کردم مکث کرد و مفصل بحث کرد. راجع به مشکلات، راجع به امکانات و

راجع به پتانسیل‌های حزب مفصل بحث کرد. همین طور در مورد نقاط ضعف و پتانسیل‌های رهبری بحث کرد.

رادیو انترناسیونال: در اطلاعاتی پایانی پلنوم اعلام شده که مساله رهبری حزب هم مورد بحث قرار گرفته است. در این بحث روی چه نکاتی تاکید شد و چه تصمیماتی اتخاذ گردید؟

کورش مدرسی: یک نکته مهم در مورد رهبری حزب که در پلنوم قبل مطرح شد و گزارش آنهم منتشر شد این بود که حزب به این واقعیت نقش منصور حکمت نگاه کند و بطور واقعی راهی برای یک رهبری بدون منصور حکمت فعال در آن پیدا کند. راهی که در پلنوم قبل به آن رسیدیم راهی بود که خود منصور حکمت مطرح کرد. ببینید نقشی که منصور حکمت در حزب ما دارد نقش پیچیده و مرکبی است. اگر بخواهم از میان صندلی‌هایی که منصور حکمت اشغال کرده یا بهتر بگویم نقش‌های بسیار متنوعی که بازی کرده انتخاب کنم میتوانم بگویم منصور حکمت ایدئولوگ این حزب بوده و هست، منصور حکمت رهبر یک حزب سیاسی بوده و هست و منصور حکمت در تمام مدت کارش بیش از هر کس حواسش به فونکسیونها و ارگانهای تشکیلاتی حزب بوده و در رهبر تشکیلاتی حزب بوده. در دوره‌ای که نیست همه این صندلی‌ها خالی میماند. این واقعیتی بود که همانطور که اشاره کردم پلنوم در چشم آن نگاه کرد و از خودش مجدداً پرسید آیا فردی هست که بتواند همه این صندلی‌ها را پر کند؟ مساله تنها این نیست که کسی فکر کند که خودش چنین هست. مساله بعلاوه این است که حزیش، جنبشش، جنبش سیاسی ایران، مردم ایران و همه کسانی که جایگاه منصور حکمت را به رسمیت میشناسند چنین واقعیتی یا پتانسیلی را به رسمیت بشناسند. این دیگر امر دلخواهی نیست. پلنوم قبل در این مورد صحبت شد و در این پلنوم هم بطور کنکرتتر در این مورد مفصل بحث شد. نتیجه‌ای که گرفتیم همان نتیجه‌ای بود که پلنوم قبل گرفتیم. نتیجه این بود که حزب، لاقلاً برای این دوره، رهبریش را در یک قالب جمعی میتواند تامین کند. افراد مختلف در رهبری حزب جنبه‌های مختلف کار را ممکن است بتوانند بپوشانند. واقعیت بشدت پیچیده و دینامیکی که منصور حکمت نامش هست نه

تحمیل منع رفت و آمد بر یاسر عرفات شدیدا محکوم است

ممانعت دولت اسرائیل از سفر یاسر عرفات به بیروت برای شرکت در کنفرانس اتحادیه عرب، بار دیگر فاشیسم و تروریسم دولتی اسرائیل را جلو چشم همه مردم جهان گرفت. تحمیل چندین ماهه منع رفت و آمد بر رئیس حکومت فلسطین، یک یاغیگری آشکار علیه موازین جاری بین المللی و یک جلوه بارز از قلدری فاشیستی دولت شارون در ادامه انکار ابتدائی ترین حقوق سیاسی مردم فلسطین است.

حزب کمونیست کارگری ایران تحمیل منع رفت و آمد بر یاسر عرفات توسط دولت اسرائیل را شدیداً محکوم میکند. این گروگان گیری باید فوراً متوقف شود. هرگونه محدودیت بر رفت و آمد یاسر عرفات باید فوراً ملغی گردد.

هدف دولت اسرائیل از اینگونه اقدامات در کنار تداوم کشتار روزمره مردم فلسطین، چیز دیگری جز به آتش کشیدن منطقه در یک جنگ فاشیستی قومی - مذهبی نیست. هیچ انسان آزادیخواه و هیچ نیروی مبارز و عدالت طلبی نباید این قلدری فاشیستی دولت اسرائیل را دست کم بگیرد و تحمل کند. محکوم کردن دولت اسرائیل و همچنین محکوم کردن حمایت آمریکا از سیاست جنگ طلبانه شارون وظیفه همه مردم آزادیخواه در سراسر جهان است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ مارس ۲۰۰۲

میتوانند در ابعاد مختلف بتوانند نقش پیشتاز نظری و سیاسی حزب، امر ساختن یک حزب توده‌ای، تبدیل حزب به پرچم نه مردم به جمهوری اسلامی و به قدرت رساندن حزب و سازمان دادن انقلاب و جامعه سوسیالیستی را تامین کنند. در آخر این بحث بنظر من پلنوم رای اعتماد یک دستی به رهبری منتخب خود داد. و اعلام اعتمادی به رفقائی که قدم جلو گذاشته بودند کرد که سرمایه عظیمی برای هر رهبری سیاسی است. پلنوم در آخر با اعتماد به اینکه رهبری منتخبش خواهد توانست چنین نقشی را ایفا کند و حزب میتواند یک حزب توده‌ای و پرچم نه مردم به جمهوری اسلامی شود و انقلاب ایران را بدون وقفه به یک انقلاب رهائی انسان، انقلاب سوسیالیستی، تبدیل کند به این بحث خاتمه داد. چنین اعتمادی از جانب چنین مجمعی از کمونیستها برای هر کدام از ما جای غرور و افتخار است و در زندگی آینده ما و در نقشی که بعهد خواهیم گرفت نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت. ■

قابل جایگزینی است و نه راستش لازم به جایگزینی. ترکیب افراد مختلف با توانائی‌های مختلف باید مولفهای اصلی حرکت حزب را بیوشانند. این نتیجه گیری پلنوم قبل هم بود. پلنوم ۱۵ با همان نتیجه گیری به همان راه حل پلنوم ۱۴ رسید، یعنی انتخاب یک جمع رهبری بجای لیبر حزب. اگر بخاطر داشته باشید ما قبلاً، مثل همه احزاب سیاسی، لیبر حزب را انتخاب میکردیم. از پلنوم ۱۴ ما جمعی را بجای یک لیبر انتخاب کردیم که با هم نقش لیبر حزب را ایفا میکنند و گفتیم هم که این یک عقب نشینی است که متأسفانه به ما تحمیل میشود. پلنوم ۱۵ هم به همین نتیجه رسید. ضمن اینکه از رفقائی که کاندید رهبری بودند یا توقع میرفت که در این موقعیت قرار گیرند خیلی مشخص خواسته شد که این دوره حزب، جنبش ما و مردم ایران و انقلاب برای رهائی و نجات بشریت، به یک معنا، محتاج این است که این رفقا در کالیبر بالاتری ظاهر شوند و نقش فعال‌تری بعهد بگیرند و تا آنجا که

ادامه مصاحبه با کورش مدرسی درباره حمله احتمالی آمریکا به عراق در شماره بعدی خواهد آمد.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

دو سال پس از کنفرانس برلین

و امر آزادیخواهی کرد.

کنفرانس به ابتکار بنیاد هایتریش بل، وزارت خارجه آلمان، سفارت و یادوهای حکومت اسلامی در آلمان تدارک دیده شده بود. این کنفرانس بخشی از یک استراتژی طولانی مدت تر بود. چیزی که از سخنرانان تا سازمان دهندگان کنفرانس برلین بر آن توافق نظر دارند این است که خاصی میخواست به آلمان سفر کند و این کنفرانس قرار بود زمینه های سیاسی آنرا مهیا کند. اما این گوشه ای از یک هدف بزرگتر بود. لب مطلب این بود: میخواستند تصویر قابل همزی از حکومت اسلامی به مردم بدهند، به مردم آلمان و افکار عمومی در غرب بقبولانند که با آمدن خاتمی، جمهوری اسلامی بسیار تغییر کرده است، که امید نسل جوان و مدافع دموکراسی و جامعه مدنی ریاست قوه مجریه را تسخیر کرده است، که پروژه اصلاحات ثمر داده است، مشکل زنان حل شده و آزادیهای سیاسی و آزادی مطبوعات از سر و روی جامعه باریدن گرفته است، شکنجه و اعدام و قتل‌های دسته جمعی مسائلی کهنه و مربوط به روزهای طوفانی انقلاب بوده است، حکومتی متعارف و مورد قبول سر کار آمده و سعادت و خوشبختی به مردم ایران رو کرده است. میخواستند به افکار عمومی بقبولانند که این حکومت منتخب و مورد تأیید مردم است و حتی با اپوزیسیون هم رابطه دارد و بدین طریق زمینه بهبود و گسترش رابطه غرب با جمهوری اسلامی را هم فراهم کنند. دو سال بود مقامات جمهوری اسلامی و چهره های مدافع آن دهها ماموریت به اروپا و آمریکا ترتیب داده بودند که بیایند و بروند، در انتظار عمومی ظاهر شوند، بحث و دیالوگ کنند، به سوالات و انتقادات! مردم جواب دهند و حضور جمهوری اسلامی را در میان ایرانیان و افکار عمومی عادی سازند. این تلاشها همگی به یمن فعالیت آزادیخواهان و سرنگونی طلبان و اساسا با سیاست روشن و با جسارت و حضور فعال و سازمانیافته حزب کمونیست کارگری نقش بر آب شده بود. از سفر سرش به آلمان، و یزیدی و مهاجرانی و خرازی به سوئد، تا فاتزه رفسنجانی به هلند و خاتمی به آمریکا و فرانسه همگی به حجم انبوهی تبلیغات افشاگرانه علیه جمهوری اسلامی و حامیان آنها تبدیل شده بود. محافل و گروههای طرفدار حکومت، سفارتها و مقامات دولتهای اروپائی پی برده بودند که این سفرها نه تنها نتیجه

ای برای دیپلماسی و حضور حکومت اسلامی در خارج بیار نیابود که هر بار حکومت اسلامی را بی آبروتر از قبل به دنیا معرفی میکند و فرستادگان را دست از پا دراز تر روانه ایران میکند و شرایط دشوارتری برای بهبود رابطه با آن ایجاد میکند. فکر کردند میتوانند سیاست شان را با تدارک سیاسی، تبلیغی، امنیتی بسیار بیشتری در آلمان آزمایش کنند. میدانستند که عادی شدن رابطه جمهوری اسلامی با دنیای غرب شرط تعیین کننده سر پا ماندن حکومت اسلامی است. میلیونها مارک خرج کردند، بیش از یکسال برای آن فکر کردند، نقشه کشیدند، با این و آن جلسه گرفتند و کار کارشناسانه انجام دادند. به خیال خودشان طرح جامع و موفقی روی کاغذ آورده بودند. ترکیب سخنرانان بسیار ماهرانه انتخاب شده بود و موسسه هایتریش بل، بدلیل سابقه و ذهنیتی که از آن وجود داشت بعنوان سازمان دهنده در نظر گرفته شده بود. اما علیرغم همه این تمهیدات کنفرانس توسط کمونیستها و آزادیخواهان به صحنه افشاگری از جمهوری اسلامی و جنایاتش تبدیل شد و به تمام معنی شکست خورد. فاتح واقعی کنفرانس برلین حزب کمونیست کارگری بود که توانست به دنیا بگوید که ایران فقط صحنه اختلافات و رقابت های دو جناح حکومت اسلامی نیست. مردم هم یک طرف اصلی جدال هستند. شکست کنفرانس برلین در دنیا مثل بمب ترکید و اخبار آن بسرعت به تیتیر اصلی رسانه های بین المللی تبدیل شد. قبل از اینکه کسی سخنرانی فرمانده سابق سپاه پاسداران و قاتل مردم کردستان را گوش کند، صدای مینا احدی و آذر مدرسی از رسانه های مختلف به گوش دهها میلیون مردم در ایران و در سراسر جهان رسید که گفتند جمهوری اسلامی باید سرنگون شود، که این رژیم صدهزار اعدام است و مردم هیچ شکلی را نمیخواهند. صحنه هائی از کنفرانس را خود صدا و سیمای جمهوری اسلامی بر متن اختلافات دو جناح پخش کرد و جمبله کدیور با دلخوری از صدا و سیمای نوشت که "با اینکار حزب کمونیست کارگری و چهره های آن به خانه میلیونها نفر در ایران و در سراسر جهان رفت." صحبت ما روشن بود. اعلام کردیم که نمی گذاریم ایادی رژیم، مهره ها و عوامل کشتارشان به عنوان نماینده مردم در اروپا بچرخند، در ملاء عام جلسه بگذارند و بخواهند برای رژیم اسلامی آبرو بخرند. اعلام کردیم که ابراز وجود سیاسی مقامات رژیم و فرماندهان سپاه و

آدمکشان قبلی یا فعلی آن در خارج کشور را تحمل نمیکنیم، همانطور که مردم نیویورک و بازماندگان قربانیان جنایت ۱۱ سپتامبر حضور برن لادن را، هر درجه هم که اصلاح طلب شود، تحمل نخواهند کرد، همانطور که شیلیائی ها به پینوشه این اجازه را ندادند و همانگونه که به شارون و صدام نباید اجازه داده میشود.

دستگیری و محاکمه و زندانی کردن برخی سخنرانان کنفرانس برلین اما واضح تر از هر چیزی حقانیت کمونیستها و آزادیخواهانی را که در کنفرانس برلین صریحا گفتند که حکومت اسلامی با آزادی سازگاری ندارد اثبات کرد. حتی اعلام وفاداری عمیق کسانی مانند سحابی و رئیس دانا و جلالی پور و اشکوری به جمهوری اسلامی و فحاشی و اتهام به حزب کمونیست کارگری، راست را از دستگیری و محاکمه آنان منصرف نکرد. دفاعیات اینها واقعا چندش آور بود. رژیم اسلامی داشت اینها را به جرم دفاع از خودش محاکمه میکرد و اینها یادشان رفت که زیر همین محاکمه و حتی قبل از شروع محاکمه، درست به همان سیاق جناح راست و عینا با همان کلمات محسن رضائی و حسین شریعتمداری علیه حزب کمونیست کارگری فحاشی کنند و پاپوش بدوزند تا عمق وفاداری شان را به کل نظام ثابت کنند. کسانی که با بهم خوردن کنفرانس برلین سعادت گوش دادن به سخنرانی اینها را نیافتند، واقعا چه فرصت تاریخی و گرانبهری را باید از دست داده باشند! و اینها از سران جنبش اصلاحات رژیم اند که قرار بود جهان غرب را راجع به اهمیت دموکراسی در مکتب اسلام و پیشرفت های حقوق مدنی مردم در حکومت خاتمی توجیه کنند و محافل گندیده و مرتجع ملی اسلامی در خارج کشور را بخطر کنند. پیام کمونیستها و آزادیخواهان در کنفرانس برلین که دو خرداد بخشی از خود نظام است و دارد برای رژیم وقت میخورد، که سرنگونی جمهوری اسلامی با هر دو جناح اولین پیش شرط آزادی است، که از جمهوری اسلامی نمیتوان حکومتی به نفع مردم درست کرد، خیلی زود عده بیشتری را به حقانیت حزب کمونیست کارگری متقاعد کرد. حجم گسترده تبلیغات و شانتاژهای علیه این حزب و رهبری آن در رسانه های جمهوری اسلامی، به گسترش دامنه نفوذ و محبوبیت حزب تبدیل شد و سیر تحولات سریع بعد از کنفرانس به آن ابعاد باز هم بیشتری بخشید. استقبالی که از حزب در هفته ها و ماههای بعد از کنفرانس بویژه در داخل کشور بعمل آمد شکفت انگیز بود. صرفنظر از نامه ها، تماسها و پیامهای گرمی که حزب دریافت میکرد، این روحیه را

اطلاعیه شماره ۵

درباره معالجات منصور حکمت

بدینوسیله به اطلاع میرسانیم که مبلغ ۱۲۰ هزار پوند لازم جهت دور اول معالجات منصور حکمت با کمکهای بیدریغ تعداد وسیعی از اعضا و دوستان احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق و همچنین دوستان شخص منصور حکمت تامین شده است. هیات دائم حزب کمونیست کارگری ایران تشکر عمیق خود را از همه کسانی که در این تلاش شریک شدند اعلام میکنند.

لازم به توضیح است که پروسه معالجاتی بعدی منصور حکمت کماکان مستلزم هزینه بالائی است. لذا شماره حسابهای اعلام شده همچنان معتبر هستند و علاقمندان میتوانند کمکهای خود را به این حسابها واریز کنند.

هیات دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مارس ۲۰۰۲

روزنامه های دو خرداد در داخل از پیشرفت اسلام و حکومت رتوف اسلامی در غرب سخن سرانی کنند و مردم و احزاب سرنگونی طلب را به حاشیه برانند. این بخشی از هدف پروژه نجات حکومت توسط دو خرداد بود. شکست آن نیز، یک فاکتور به بن بست رسیدن دو خرداد و کل حکومت اسلامی به حساب میاید. با شکست کنفرانس برلین، این پروژه شکست خورد و همراه با آن اعوان و انصار حکومت که همراه با کیهان و صبح امروز و آفتاب امروز و اندیشه جامعه و ... کمپین شانتار و فتوا علیه حزب کمونیست کارگری و رهبری آن براه انداختند، منزوی تر و رسواتر شدند. در مقابل، نیروی سوم به جلو صحنه سیاسی ایران کشیده شد و سرنگونی طلبی گام مهمی به جلو برداشت.

امروز دو سال پس از این کنفرانس، صحنه سیاسی ایران بسیار تغییر کرده است. پروژه دو خرداد به آخر خط رسیده و تماما شکست خورده است. فوج صوف صفو آنرا ترک کرده اند. توهام فروریخته است، نگاهها مجددا به احزاب سرنگونی طلب دوخته میشود. و در این میان مردم حزبی میبینند که بی وقعه و قاطعانه با کل موجودیت منحوس جمهوری اسلامی و دار و دسته های مختلف آن جنگیده است، سرسخخانه علیه سرکوب و بیحقوقی و فقر و محرومیت و نابرابری ایستاده است و بدون تخفیف از آزادی و حقوق بخشهای مختلف مردم دفاع کرده است. این موقعیت منحصر به فرد حزب کمونیست کارگری است و جایگاه ویژه ای برای این حزب در صف سرنگونی طلبی و آزادیخواهی ترسیم میکنند. ■

میشد در میان مسافری تازه وارد از ایران در فرودگاههای اروپا، مشاهده کرد. احساسات اینچنین گرم و عمیق مردم و گستردگی آن برای فعالین حزب در فرودگاهها غیر قابل انتظار بود. کنجکوی نسبت به حزب، تماس با حزب و درخواست نشریات حزب، دهها بار گسترش یافت، موقعیت حزب در داخل کشور دیگر مطلقا با قبل از کنفرانس برلین قابل مقایسه نبود. و چرا که نه. مردمی که رفاه و آزادی و حرمت میخواستند، حزب کمونیست کارگری را نماینده خود دیدند. دیدند جریانی هست که کوتاه نمی آید، جریانی هست که با خیل گروههای مرتجع طرفدار دو خرداد عمیقا متفاوت است، جریانی هست که آزادیخواهی و آرمانهای آنها را نمایندگی میکند و جمهوری اسلامی و هیچ جناحش را شایسته هیچ بشری نمیداند. حزب کمونیست کارگری نماینده قاطع و جسور نه این مردم به حکومت اسلامی بود. امروز هر آدم آزاده ای میتواند تصور کند اگر واقعا این حزب در برلین، و البته قبل از آن در استکهلم و آمستردام و هامبورگ و لندن و پاریس و تورنتو و لس آنجلس نبود، چه تصویر گمراه کننده ای از جامعه ایران به دنیا داده میشد. آنوقت داستان زندگی مهاجرین ایرانی این میشد که منبعده مقامات رژیم و پاسدار ژورنالیستها بیایند و اندر باب اسلام صلح طلب و جامعه مدنی و حقوق زن در اسلام منبر بروند و رسانه های مرتجع غرب همان را با آب و تاب به خورد افکار عمومی بدهند، از اتلاف وسیع و همگانی پشت سر رئیس قوه مجریه حکومت حرف بزنند و یک جامعه راضی و امن و تسلیم شده را در در ذهن همگان تصویر کنند. و آنگاه

طول موج جدید رادیو انترناسیونال

بوقت اروپای مرکزی است. رادیو انترناسیونال را روی اینترنت هم میتوانید بشنوید:
www.radio-international.org

تلفن: ۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

پیغامگیر: ۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

فاکس: ۰۴۴ ۸۷۰ ۱۲۹ ۶۸۵۸

Radio7520@yahoo.com

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید.

از روز یکشنبه ۱۱ فروردین (۳۱ مارس) برنامه های رادیو انترناسیونال بدلیل تغییر فصل روی طول موج جدید پخش خواهد شد. طول موج جدید ۳۱ متر برابر با ۹۹۴۰ کیلوهرتز از ساعت ۹ تا ۹/۴۵ شب خواهد بود.

(از اول فروردین تا ۱۰ فروردین ساعت ۱۰ تا ۱۰/۴۵ شب روی همان طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۵۲۰ کیلوهرتز پخش میشود) ساعت پخش در اروپای مرکزی ۶/۳۰ بعدازظهر



"جان زیبای ایرانی"

چند کلمه پیرامون نطق خاتمی

کاظم نیکخواه

آقای خاتمی با همان درایت ویژه دارد همه را راضی نگه میدارد. هرکس میتواند بگوید منظور آن دیگری است. و ایشان مدال آخوند معتدل و اصلاح طلب و نجیب خنده بلب را برای خویش حفظ میکنند. چهار پنج سال این چنین بوده است. عده ای تحت عنوان مدافعین حماسه دوم خرداد خوار ها نوشته در وصف و تفسیر چنین کلماتی سرهم بندی کردند و بازار بسته و خفقان آور انتشارات ایران تحت عنوان ادبیات و فلسفه و هنر عرضه کردند.

مشکل آقای خاتمی اینست که جرات نگاه کردن به پشت سر خویش را ندارد، تا ببیند که خالی مانده است. امروز چهار سال و پنج سال پیش نیست. از آن خیل "اصلاح طلب" بی شخصیت که بدنبال مرشد و رهبر میگشت تا پپایش زانو زند و با کلمات شعرگونه اش به سماع و خلسه بیفتد چیز چندانی باقی نمانده است. آنها آبروی خویش را در طبق اخلاص گذاشتند تا کسب و کار دوم خرداد را رونق بخشند و افشا شدند و ضرر دادند. زیر فشار های اجتماعی و سیاسی پراکنده شدند و رفتند. بسیاری از آنها اکنون بدنبال سوراخی در طیف های دیگر میگردند تا در آن بخزند و آبروی باخته را بلکه باز یابند.

خاتمی اما همچون گذشته لم داده و در کنار خامنه ای و شرکا هنوز دارد از زیر عبا سیگنالهای رمانتیک خود را ارسال میکند. "عاشورا حسینی نقطه رویارویی اصلاح طلبی ... با تباهی و بیداد و ستم ... این پیام مرشد اصلاحات در جمهوری اسلامی را هیچ دوم خردادی ای در بوق و کرنا نکرد. زیرا آن "روح زیبای ایرانی" که قرار بود مشتری ادبیات بنجل و فریبکار دوم خردادی باشد صد بار و هزار بار از زبان جوانان و دانشجویان و معلمان و کارگران و زنان ایرانی به این کلمات و به آن ادبیات بی شرم تف کرد و آنرا در کنار کل حکومت اسلامی با صدایی بلند در مبارزات و تجمعات و حتی در همین نوروز و چهارشنبه

اتحادیه عرب است، و بالاخره حمایت گرمتر اتحادیه اروپا از این طرح. آیا اینها بر اسرائیل فشار جدی وارد میآورند؟ باید دید. در حقیقت ایجاد دولت فلسطین یک ضرورت زمانه است که از آمریکا تا شارون و کل هیات حاکمه اسرائیل سرانجام ناگزیرند به آن گردن بگذارند. صحبت بر سر زمان است. ویژه با اوجگیری بیسابقه کشتار و خونریزی در فلسطین و اسرائیل در هفته های اخیر ضرورت شکستن فوری این دور باطل به امر روز بدل شده است. کلید شکستن این دور باطل، توقف فوری سیاست کشتار و اشغال دولت اسرائیل و به رسمیت شناختن دولت فلسطین است. امروز مانع اصلی این صلح و منبع اصلی این ناامنی، سیاست جنگ طلبانه شارون و حمایت آمریکا از آن است.

یک عامل مهم دیگر اما فشار نیروهای آزادیخواه و صلحدوست در سراسر جهان و در خود اسرائیل و منطقه است. این جبهه با بسیج توده ای و جلب حمایت وسیع در سطح افکار عمومی جهان، به نوبه خود میتواند شارون را از پیشبرد سیاستهای فاشیستی و شارلاتانیستی باز دارد و راه را برای حل قطعی مساله فلسطین و رهایی مردم فلسطین و اسرائیل از دور باطل نفرت و خونریزی قومی - مذهبی هموار کند. پنجشنبه ۲۸ مارس ۲۰۰۲

جنگ ۱۹۶۷، متضمن به رسمیت شناسی دولت اسرائیل توسط دولت های عرب است. این طرح را البته اسرائیل بلافاصله رد کرده است، با اینکه پیشتر از آن استقبال کرده بود. در عوض "کاپینه امنیتی" اسرائیل قرار است "در پاسخ" به ترور اخیر ۲۰ شهروند اسرائیلی "تصمیمات مهم" بگیرد و یک احتمال اینست که شارون از پیشنهاد جنگ حماس استقبال کند و منطقه را به آتش بکشد.

سوال اساسی اما نه در پیشنهاد صلح اتحادیه عرب، نه در پیشنهاد جنگ حماس و نه در جواب شارون به این دو پیشنهاد است. راه حل مساله خاورمیانه محلی و منطقه ای نیست. بین المللی و جهانی است. و امروز در دوره بعد از ۱۱ سپتامبر بیشتر از هر زمان بین المللی و جهانی است. سوال اینست که جهان با فاشیسم شارون چه خواهد کرد؟

عوامل متعددی هم اکنون در سیاست بین المللی برای فشار بر اسرائیل وجود دارند: قطعنامه جدید شورای امنیت که برای اولین بار از کشور فلسطین نام میبرد و باز برای اولین بار نه فقط با وتوی مخالفت آمریکا مواجه نشد بلکه آمریکا خود مبتکر آن بود، اعلام رسمی پشتیبانی آمریکا از طرح امیر عبدالله، که از امروز دیگر طرح

ناپاوری تبدیل شده است. مردم فکر خود را کرده اند و راه خویش را در پیش گرفته اند و آن تلاشی کل دستگاه نفرت آور حکومت اسلامی و ساختن جامعه ای آزاد و انسانی است. آقای خاتمی هم بهتر است فکر دیگری بحال خویش بکند. ■

را از دست بدهد، خاصیت و مورد همزمان شده بود مورد خشم و نفرین و انزجار خویش قرار داد. آقای خاتمی اما باید به فرستادن سیگنالهای خویش به سوی موجودات پراکنده دوم خردادی ادامه دهد. او میداند که اگر خاصیت مردم فریبی خویش با وساطت خیل دوم خردادی

از صفحه ۱ دوراهی جنگ و صلح در خاورمیانه

اسلامی حماس و جهاد و حزب الله با حمایت فعال جمهوری اسلامی در تلاشند که با ربودن ستمدیدی مردم فلسطین فاشیسم اسلامی و تروریسم اسلامی را در منطقه تقویت کنند. اجلاس اتحادیه عرب دیروز با تصویب طرح امیر عبدالله، به اسرائیل پیشنهاد صلح داد. همزمان با این اجلاس، تروریست های اسلامی حماس در یک عملیات انتحاری دیگر با کشتن ۲۰ شهروند اسرائیلی، به جنگ طلبی شارون خدمت دیگری ارائه دادند و مجددا بر آتش مسابقه تروریستی که همیشه مورد استقبال شارون بوده است بنزین ریختند. اینها در واقع به شارون پیشنهاد جنگ داده اند. خاورمیانه در این لحظه، یک بار دیگر بر دوراهی جنگ و صلح قرار گرفته است.

طرح اتحادیه عرب اگر پشتبند اجرایی نیرومندی بتواند آن را به دولت اسرائیل تحمیل کند دارای این ظرفیت هست که راهگشای صلح باشد چون متضمن به رسمیت شناسی دولت مستقل فلسطین توسط اسرائیل و متقابلا هم، در صورت تشکیل یک دولت فلسطینی و عقب نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از

سوری ای که با "حماسه امام حسین" همزمان شده بود مورد خشم و نفرین و انزجار خویش قرار داد.

سوریه ای که با "حماسه امام حسین" همزمان شده بود مورد خشم و نفرین و انزجار خویش قرار داد. آقای خاتمی اما باید به فرستادن سیگنالهای خویش به سوی موجودات پراکنده دوم خردادی ادامه دهد. او میداند که اگر خاصیت مردم فریبی خویش با وساطت خیل دوم خردادی

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England